

رژیم حقوقی دریای مازندران و آثار آن بر امنیت ایران

هادی زرگری*

ضمنی وضع حقوقی آن بیش از فروبازی اتحاد جماهیر شوروی از سوی کشورهای نوپا و نبود رژیم حقوقی مورد پذیرش همه کشورهای کناره‌ای است. در این پژوهش همچنین به منابع انرژی در حوزه این دریا و حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای در منطقه با توجه به اثرهای مستقیم یا غیر مستقیم آنها بر وضع حقوقی دریا و همچنین امنیت ایران می‌پردازیم.

رویکرد سیاست خارجی ج.ا.ایران در زمینه رژیم حقوقی دریای مازندران و مواضع دیگر کشورها

پیشینه رژیم حقوقی دریای مازندران:

در سده‌های گذشته چگونگی بهره‌برداری از این دریاچه - با توجه به روابط روسیه تزاری و ایران قاجاری و ضعف و نیرومندی هر یک از آنها - متغیر بوده است.

پیشگفتار

با توجه به جایگاه دریای مازندران در سیاست خارجی ایران و همچنین وجود منابع انرژی و حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای در حوزه این دریا در این پژوهش رژیم حقوقی پذیرفتنی دریای مازندران و اثر آن بر امنیت ایران بررسی می‌شود. هر چه روند تدوین رژیم حقوقی دریای مازندران به تأخیر افتد، با توجه وضع کشورهای بازمانده از اتحاد جماهیر شوروی و وضع منطقه، امنیت ایران بیشتر تهدید می‌شود. برای آزمون این فرضیه، به چند پرسش و سپس به فرضیه‌های فرعی پرداخته شده است. مراد از نبود رژیم حقوقی، بی‌توجهی کشورهای کناره دریا به پیمانهای ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ میان دولت شاهنشاهی ایران و اتحاد جماهیر شوروی درباره بهره‌برداری از منابع این دریا و مسائل مرتبط به آن ورد

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

دیگران روبه‌رو شد. پس از آن نیز نشستهای دوجانبه و چندجانبه میان ایران و کشورهای کناره برگزار شد.

نماینده‌گی دایم ایران در سازمان ملل نیز در ۸ سپتامبر ۱۹۹۷ در یادداشتی اعلام کرد که رژیم حقوقی دریای مازندران بر پایه پیمانهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان (دولت شاهنشاهی) ایران و اتحاد جماهیر شوروی تعیین شده است و بر پایه اصول حقوق بین‌الملل (اصول جانشینی) و همچنین توافقنامه میان دولت‌های جانشین اتحاد جماهیر شوروی در کنفرانس آلمانی (دسامبر ۱۹۹۱)، دولت‌های جانشین باید به پیمانهای اتحاد جماهیر شوروی پایبند باشند. افزون بر این، ایران اعلام کرد که این کشورها بر پایه بیانیه مشترکی که در نوامبر ۱۹۹۶ در عشق‌آباد منتشر کرده‌اند، ملزم به تعیین رژیم حقوقی دریای مازندران همراه با دیگر کشورهای کرانه‌ای هستند و هرگونه اقدام بی‌توافق پنج کشور کرانه‌ای پذیرفته نخواهد بود.

ج. ا. ایران آمادگی خود را برای رسیدن به یک تفاهم همه‌جانبه بر سر رژیم حقوقی دریای مازندران اعلام و موارد زیر را برای تعیین این رژیم مطرح کرد:

- ۱- لزوم توافق آرا برای تعیین رژیم حقوقی
- ۲- اصل برابری حقوقی کشورهای کرانه‌ای در همه زمینه‌ها
- ۳- حاکمیت تنها یک رژیم حقوقی بر سراسر دریا
- ۴- بسته شدن یک پیمان کشتیرانی بی‌تبعیض میان کشورهای کرانه‌ای
- ۵- غیر نظامی شدن دریای مازندران
- ۶- برتری دادن به حفظ محیط زیست دریای مازندران.

این مواضع در سخنان رییس جمهوری اسلامی ایران در نشست عشق‌آباد (۱۳۸۱) تکرار شد. بر سر هم، مواضع جمهوری اسلامی ایران درباره رژیم حقوقی دریای مازندران را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- رژیم حقوقی کنونی تا زمان اصلاح یا تغییر همچنان اجراء شدنی است
- ۲- اتفاق نظر: هر قاعده تازه در زمینه وضع حقوقی

پس از جنگ‌های ایران و روسیه یک رشته قراردادهای استعماری به ایران تحمیل شد که محدودیت‌هایی نیز برای ایران در بهره‌برداری از این دریاچه پدید آورد. با انقلاب بلشویکی و به قدرت رسیدن کمونیست‌ها در روسیه که خواهان صدور انقلاب به کشورهای منطقه و جهان بودند و نیز با توجه به شرایط دیگری که برای خود آنها و همچنین برای ایران پیش آمده بود، در ۱۹۲۱ همه پیمانهای استعماری با ایران را لغو کردند و حقوق ایران در این دریا را پذیرفتند. در پیمان ۱۹۴۰ نیز بر این نکته تأکید و مقرر شد دو کشور حقوق برابر برای بهره‌برداری از این دریا داشته باشند گویا که در این پیمانها دریای مازندران دریای مشترک و مشاع شناخته شده بود، ولی از آن رو که اتحاد جماهیر شوروی یکی از ابرقدرتهای دوران جنگ سرد بود، ایران در عمل نمی‌توانست از حقوق خود در این دریا چنان که باید، بهره گیرد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱، همسایه‌های دریای مازندران از دو کشور به پنج کشور رسید. ایران این کشورها را به رسمیت شناخت و آنها نیز اعلام کردند که به پیمانهای اتحاد جماهیر شوروی پایبندند. ولی واقعیت این است که در مناطق مهم و استراتژیک جهان با توجه به اینکه کشورها منافع گوناگون دارند، همواره اختلافها میان آنها سر بر می‌آورد؛ بویژه اگر این کشورها در شرایط دوران گذار و تعیین جایگاه در پهنه بین‌الملل باشند. پس با سر بر آوردن کشورهای تازه در کناره دریا و با توجه به وضع خاص هر یک از آنها، طبیعی است که اختلاف نظرهایی بر سر رژیم حقوقی این دریا پدید آمده باشد.

مواضع کشورهای کرانه‌ای

الف: ایران. نخستین کوشش جمهوری اسلامی ایران در راستای روشن کردن رژیم حقوقی دریای مازندران، فراخوانی کشورهای کناره دریا برای شرکت در نشست تهران (بهمن ۱۳۷۰) بود.^۲ در این نشست، ایران طرح تشکیل سازمان همکاری کشورهای کناره دریای مازندران را پیشنهاد کرد که با موافقت اصولی

این نکته را دریافت که نمی‌تواند از روند تقسیم جلوگیری کند. از این رو در نوامبر ۱۹۹۶ پیشنهاد کرد که یک منطقه انحصاری اقتصادی به درازای ۴۵ مایل دریایی برای هر کشور در نظر گرفته شود و از منابع فراتر از این مرز با ایجاد یک شرکت مشترک بهره‌برداری شود. این موضع‌گیری روسیه را باید گامی در جهت تقسیم دریای مازندران دانست. البته روسیه با این پیشنهاد در پی رسیدن به هدفهای ویژه خود بود. این پیشنهاد، به این کشور سهمی در منابع انرژی دیگر جمهوریها می‌داد که می‌توانست با اعمال نفوذ در روند تولید و فروش منابع ایجاد محدودیت در بازرگانی مستقیم این جمهوریها با شرکت‌های غربی، آنها را برای گذردادن خطوط لوله از خاک خود زیر فشار بگذارد.

بر سر هم، موضع تازه روسیه دارای ویژگیهای زیر است:

الف: منابع بستر دریای مازندران باید میان کشورهای کرانه‌ای تقسیم شود (بهره‌برداری یکجانبه)؛

ب: کشتیرانی و ماهیگیری در سطح دریای مازندران آزاد است و باید اصول «مسئولیت مشترک» در این زمینه اجرا شود. روسیه در این طرحها افزون بر بهره‌برداری از منابع نفتی و اقتصادی این حوزه در پی پایدار کردن نفوذ خود در حوزه این دریا است، تا هم از حضور قدرتهای دیگر جلوگیری کند و هم یکی از منابع اصلی تأمین انرژی در جهان را در دست داشته باشد و برابر آن از غرب امتیازهای اقتصادی و سیاسی بگیرد.

پ: ترکمنستان: بر پایه نخستین اعلامیه‌های ترکمنستان، به نظر می‌رسید که این کشور از مشاع بودن دریا پشتیبانی می‌کند؛ اما برعکس، واقعیات نشانگر این است که ترکمنستان در اصل پشتیبان نظریه تقسیم دریاست و قواعد حقوق بین‌الملل دریاها را ناظر بر این تقسیم می‌داند و بر این پایه ۱۲ مایل از آبهای کناری سرزمینش را از آن خود می‌شناسد. هر چند ترکمنستان در دفاع از طرح تقسیم تدریجی نکرده و در کنار ایران به روند تقسیم بخش شمالی دریای مازندران

دریای مازندران باید بر پایه توافق همه کشورهای کرانه‌ای باشد.

۳- حقوق برابر: هر چند پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دو کشور ایران و شوروی بر دریای مازندران حاکمیت و مالکیت مشترک داشته‌اند، ولی ایران با توجه به شرایط تازه پس از فروپاشی، دیگر خواهان مالکیت ۵۰ درصدی نیست ولی بر این باور است که این هنجارها هنوز باید اجرا شود. بنابراین دریای مازندران و منابع آن میراث مشترک دولتهای کرانه‌ای است و کشورهای کرانه‌ای حق دارند به گونه برابر و عادلانه از آن بهره‌مند شوند.

۴- مخالفت با اقدام یکجانبه: هر اقدام یکجانبه از سوی هر یک از دولتهای کرانه‌ای برای مرزبندی در دریای مازندران یا اعلام ادعاهای ملی در آن مناطق، منافع دیگر کشورها را خدشه‌دار می‌کند.

۵- راهکارهای احتمالی: ج.ا. ایران با وجود مثبت شمردن رهیافت مشاع، در زمینه دستیابی به سازش ممکن بر سر وضع حقوقی دریای مازندران، از خود نرمش نشان داده و خواهان آن است که دریای مازندران میان دولتهای کرانه‌ای بر مبنای بهره‌برداری برابر از منابع این دریا تقسیم شود. داشتن سهمی برابر با ۲۰ درصد از دریای مازندران کمترین چیزی است که ممکن است ایران را راضی کند.^۲

ب- روسیه: روسیه برخلاف دیگر کشورهای کرانه‌ای، از آغاز پیدایش مسئله چگونگی رژیم حقوقی دریای مازندران تاکنون موضعی ثابت نداشته است. روسیه نخست این منطقه را «خارج نزدیک» اعلام کرد و آنرا مرزهای خود خواند تا بتواند از نفوذ دولتهای فرامنطقه‌ای جلوگیری کند. در این راستا پیمان نفتی آذربایجان با شرکت‌های غربی را محکوم کرد و از تقسیم‌ناپذیر بودن دریا (موضع ایران) پشتیبانی کرد. این موضع روسیه تا ۱۹۹۶ ادامه داشت، اما به علت پشتیبانی غرب و شرکت‌های نفتی از دولت آذربایجان و دگرگونی برنامه‌ریزیها در روسیه و دلایل دیگر، رفته‌رفته روسیه

مازندران باید بر پایه توافقات دو سویه و چندسویه میان دولتها انجام شود.

بر سر هم، جزایران، چهار کشور روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان اصل تقسیم دریای پذیرند و توافقی نیز در این زمینه میان آنها صورت گرفته است؛ هر چند اختلافهایی ناچیز بر سر شیوه تقسیم دارند. از آنجا که ج.ا.ایران خواهان رژیم مشاع و بهره‌برداری مشترک از دریا است، اختلاف این کشور با دیگر کشورهای کرانه‌ای تا اندازه‌ای اصولی و بنیادی است. البته ج.ا.ایران اعلام کرده است که اگر دیگر کشورهای کرانه‌ای تصمیم به تقسیم دریا گیرند، رژیمی واحد باید در سطح بستر و زیربستر دریا حاکم شود؛ و در چنین صورتی، سهم طبیعی و عادلانه ایران، دست کم یک پنجم دریا (۲۰ درصد) خواهد بود. بدین سان، شاید بتوان گفت که چارچوب و مبنای دیدگاه کشورهای کرانه‌ای در زمینه رژیم حقوقی به هم نزدیک شده است و تنها در شیوه کار (چگونگی تقسیم) با هم اختلاف دارند.

منابع انرژی و اثر آن بر چگونگی رژیم حقوقی

دریای مازندران و بر امنیت کشورهای کرانه‌ای

رژیم حقوقی دریای مازندران را می‌توان از دو دیدگاه متفاوت اقتصادی و امنیتی بررسی کرد؛ هر چند برای فهم موضوع، باید به همه جوانب در کنار هم پرداخت. در اینجا، با تأکید بر منابع نفت و گاز دریای مازندران، اثر این منابع بر رژیم حقوقی دریا و همچنین امنیت کشورهای کرانه‌ای را بررسی می‌کنیم.

وجود منابع بزرگ نفت و گاز در دریای مازندران سبب شده است که کشورهای کرانه‌ای مواضع گوناگونی در زمینه رژیم حقوقی در پیش گیرند. به سخن دیگر، هر یک از کشورها در پی دسترسی به منابع بیشتری از نفت و گاز است و در همین راستا می‌کوشد رژیم حقوقی را به سود خود و در راستای هدفهای تفسیر و پیگیری کند. از دید کارشناسان منطقه نیز مایه اصلی اختلاف نظر بر سر رژیم حقوقی دریای مازندران، وجود منابع فراوان

اعتراض کرده است، ولی این موضع‌گیریها به معنای همراهی ترکمنستان با ایران نیست، بلکه چنانچه آن کشور بتواند اختلافهای خود را با آذربایجان از میان بردارد، برای تأمین منافع بیشتر خود به تقسیم دریا رضایت خواهد داد؛ بویژه که به تازگی تحرکاتی نیز در همراهی با سه کشور دیگر کرانه‌ای - جزایران - داشته است.

ت: آذربایجان: پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آذربایجان با نادیده گرفتن رژیم حقوقی دریای مازندران، تقسیم دریا به بخشهای ملی را مطرح ساخت و با تعیین بخشی از آبهای دریا در کرانه‌های خود بعنوان بخش آذربایجانی دریای مازندران و بستن پیمانهای با شرکت‌های بیگانه برای اکتشاف نفت در این بخش، در عمل در راستای تقسیم دریا گام برداشته است و یکسویه پیمانهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را زیر پا گذاشته است.

بر سر هم، موضع آذربایجان را می‌توان چنین دانست:

۱- خواهان تقسیم دریا به بخشهای ملی است.

۲- مدعی است که بر پایه پیمانهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰

دریای مازندران میان ایران و شوروی تقسیم شده بوده و مرز ایران خط فرضی آستارا-حسینقلی است!

۳- وزارت نفت و گاز اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۷۰ مرز میان جمهوریه‌ها را تعیین کرده و سهم هر یک روشن است!

ث: قزاقستان: از دید قزاقستان، «دریا» شناختن این پهنه آبی، بهترین راه تضمین حقوق دریانوردی و ماهیگیری برای دولتهای کرانه‌ای و تأمین منافع دیگر کشورها است.

قزاقستان دریای مازندران را مشمول کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد در زمینه حقوق دریاها می‌داند و بر آن است که بر پایه حقوق بین‌الملل، این دریا باید به مناطق گوناگون تقسیم شود تا دولتهای کرانه‌ای برای بهره‌برداری، اکتشاف، حفظ و مدیریت منابع طبیعی، آنها، بستر و زیربستر دریا حق حاکمیت داشته باشند. همچنین قزاقستان می‌گوید مرزبندیها در دریای

انرژی و نقش آن در اقتصاد و امنیت کشورهای کرانه‌ای است. نکتهٔ جالب توجه اینکه آشکار شدن تعارض دیدگاهها نیز با کوشش کشورهای کرانه‌ای برای استخراج منابع همراه بوده است. برای نمونه، در میانه دههٔ ۱۹۹۰ که آذربایجان فعالیت‌های نفتی خود را با همکاری شرکت‌های چند ملیتی آغاز کرد، با اعتراض‌های ایران و روسیه روبه‌رو شد.^۴ آذربایجان که آبهای سرزمینی‌اش در برگیرندهٔ بیشترین منابع نفتی است، بهترین راه بهره‌گیری از این منابع را تقسیم دریا می‌داند و از این رو اعتبار قراردادهای ایران و اتحاد جماهیر شوروی را نمی‌پذیرد. بهتر گفته شود، آذربایجان در سایهٔ همخوانی دیدگاهش با سیاست‌های آمریکا و به پشتگرمی همراهی آن کشور و به امید دسترسی به میدان‌های بزرگ نفت و گاز، آشکارا اعتبار رژیم حقوقی موجود را نادیده می‌گیرد و بر تقسیم دریا انگشت می‌گذارد.^۵

قزاقستان و ترکمنستان نیز که کمابیش ۴۰ درصد ذخایر نفت و گازشان در فلات قاره است، بهترین گزینه برای خود را پشتیبانی از نظریهٔ تقسیم دریا می‌دانند؛ و گرنه به منابع کمتری دست می‌یابند. معاون وزیر خارجه قزاقستان، گیزاتوف، هدف کشورش از تقسیم دریای مازندران را دستیابی به منافع برآمده از نفت می‌داند و ترکمنستان نیز با وجود اعلام موضع بی‌طرف در زمینهٔ تعیین رژیم حقوقی، با انگیزهٔ دسترسی به منافع بیشتر، در عمل از نظریهٔ تقسیم پشتیبانی می‌کند.^۶ ولی نفت و گاز را نباید تنها عامل شکل‌دهنده به موضع کشورهای کرانه‌ای در زمینهٔ رژیم حقوقی دریای مازندران دانست و باید به عوامل دیگر از جمله امنیت نیز پرداخت.

گفتنی است که در پی دگرگونی‌های منطقه‌ای و با افزایش شمار کشورهای دارای حق حاکمیت بر دریای مازندران و تصمیم این کشورها به بهره‌برداری ناعادلانه از منابع زیربستر آن و روشن نبودن رژیم حقوقی، چه بسا منطقه گرفتار بحرانه‌های سیاسی- نظامی شود. از بعد امنیتی، دریای مازندران برای دریانوردی، کشتیرانی و

رفت و آمد ناوگان‌های جنگی همچنان بر پایه پیمان‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مشاع باقی مانده است و از همین رو نبودن توازن نظامی در منطقه و بویژه برتری نظامی روسیه، از نکاتی است که در تعیین رژیم حقوقی دریای مازندران باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا اثر آن بر امنیت چهار کشور دیگر می‌تواند تعیین‌کننده باشد. یکی از مواردی که در قراردادهای پیشین مورد تأکید قرار گرفته، مخالفت با حضور شناورهای دولتهای سوم در دریای مازندران است که هنوز هم دو کشور نیرومند کرانه‌ای یعنی روسیه و ایران بر آنان گشت می‌گذارند. از دلایل مخالفت ایران و روسیه با نظریهٔ تقسیم دریای مازندران خطر امنیتی حضور کشورهای باختری بویژه آمریکا در منطقه است؛ زیرا تقسیم دریا، با توجه به گرایش سیاسی برخی از کشورهای کرانه‌ای به غرب، سبب حضور قدرتهای بیگانه، سلطهٔ آنها بر منطقه و انزوای ایران و روسیه خواهد شد. همچنین منافع بیگانگان مانند طراحی خطوط انتقال انرژی مورد حمایت آمریکا که در گرو تقسیم دریا است، با منافع ایران و روسیه ناسازگار است.^۷

در برابر، سه جمهوری دیگر در سایهٔ ترس از سلطهٔ دوبارهٔ روسیه زیر پوشش سیاست «خارج نزدیک» حاضر نیستند از دریای مازندران به صورت مشترک بهره‌برداری کنند، زیرا بهره‌برداری مشترک، زمینه‌ساز حضور ناوگان روسیه در آبهای سرزمینی آنها می‌شود. بدین سان، هر چند عوامل گوناگون در تعیین رژیم حقوقی دریای مازندران نقش دارد، ولی باید پذیرفت که کوشش کشورهای کرانه‌ای برای دسترسی به منابع انرژی، مهمترین عامل اثرگذار در این روند است.

با این پیش‌فرض می‌توان گفت که حل مشکل رژیم حقوقی دریای مازندران، سخت بسته به چگونگی تقسیم منافع نفت و گاز دارد. از این رو کشورهای کرانه‌ای هنگامی به وضع حقوقی دلخواه می‌رسند که مالکیت منابع در حوزهٔ دریای مازندران به گونه‌ای باشد که هر پنج کشور از آن رضایت داشته باشند.

نقش قدرتهای فرامنطقه‌ای در تدوین رژیم حقوقی دریای مازندران و اثر آن بر امنیت ج.ا.ایران

الف: آمریکا

ایالات متحده آمریکا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کوشیده است در حوزه دریای مازندران جای پای باز کند. درباره سیاستهای آمریکا در حوزه این دریا، نکاتی چند باید در نظر گرفته شود. آمریکا ابرقدرت نظامی است و استراتژی جهانی اش ایجاب می کند که نسبت به این منطقه که از اهمیت استراتژیک چشمگیر برخوردار است، بی اعتنا نباشد. اما هدف اصلی آمریکا از دخالت در حوزه دریای مازندران، چنگ انداختن بر منابع انرژی است، زیرا در راستای نظم اقتصادی مورد نظرش می کوشد کنترل تولید و انتقال نفت و گاز در حوزه این دریا از دست ایران و روسیه بیرون رود. ولی نادیده گرفتن موقع جغرافیایی روسیه و ایران در گرو گذر خطوط لوله از بستر دریا است که برای این کار، رژیم حقوقی کنونی دریای مازندران باید دگرگون شود. آمریکا برای رسیدن به هدفهای استراتژیک خود در منطقه ناگزیر است از تغییر رژیم حقوقی پشتیبانی کند، زیرا با رژیم حقوقی کنونی که بهره برداری از دریا را حق مشترک کشورهای کرانه‌ای می داند، این کار امکان پذیر نیست. یکی از برنامه‌های آمریکا، تشویق و پشتیبانی آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان برای تقسیم دریا است و با بستن قراردادهایی این برنامه را دنبال می کند.^۸ حضور آمریکا در حوزه دریای مازندران افزون بر ابعاد اقتصادی و حقوقی، پیامدهای امنیتی نیز برای ج.ا.ایران دارد که در زیر به آنها اشاره می شود:

۱- حضور اقتصادی آمریکا در منطقه و نفوذ آن بر برخی کشورها همچون آذربایجان، حضور نظامی - امنیتی آنرا در قالب سازمانهای منطقه‌ای و با همکاریهای دو جانبه با همسایه‌های شمالی ایران^۹ در پی دارد که می تواند زمینه ساز خطرهای بالقوه برای ایران باشد؛ به سخن دیگر، گسترش حضور همه سویه آمریکا در

آذربایجان و ترکمنستان به معنای حضور مستقیم آن قدرت در کنار مرزهای ایران و جایگزینی تهدید پیشین شوروی با تهدید آمریکا در آینده است.

۲- یکی از شالوده‌های اختلافات در منطقه، موضوع و میزان دسترسی و سهم از منابع انرژی برای هر یک از کشورهای کرانه‌ای است. بالا گرفتن اختلافها میان کشورهای منطقه و پشتیبانی ضمنی نیروهای بیگانه از برخی کشورها در این زمینه، می تواند مشکلاتی امنیتی برای حضور ناوگانهای نظامی در دریای مازندران فراهم کند.

۳- حضور مستقیم ناتو در کنار مرزهای شمالی ایران (در صورت گسترش همکاری ناتو با آذربایجان) زمینه ساز تهدیدهای بالقوه در آینده در سطح منطقه‌ای برای جمهوری اسلامی می شود و راه پویش آنرا در سطوح منطقه‌ای و بین المللی تنگ می کند.

ب: اتحادیه اروپا

کشورهای اروپایی را باید از دیگر بازیگران در این منطقه دانست که به سبب نیاز فزاینده شان به نفت و گاز، دوری از منابع انرژی خاورمیانه و اُفت تولید انرژی در این منطقه، اهمیت ویژه‌ای برای حوزه دریای مازندران قائلند. با توجه به ۲ سند کمیسیون اتحادیه اروپا در ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ که در آنها تأکید ویژه بر گوناگون سازی منابع تأمین کننده انرژی اتحادیه شده، اهمیت دریای مازندران برای اتحادیه اروپا افزایش یافته است.^{۱۰} هر اندازه سیاستهای آمریکای در منطقه روشن و قاطع بود، بر عکس اروپایی‌ها با تردید فراوان و احتیاط بیش از اندازه به این منطقه می نگرستند. حتا حضور انگلیسیها، آلمانیها و فرانسویها در کنسرسیومهای نفتی فعال در این منطقه نیز بسیار حساس بوده است.^{۱۱} اتحادیه اروپا در این منطقه در پی تأمین انرژی و امنیت انتقال آن به کشورهای اروپایی است تا وابستگی اتحادیه را کاهش دهد. از همین رو از طرحها و سیاستهایی که منافع آنرا بر آورد پشتیبانی می کند، از جمله برخی طرحها خطوط انتقال انرژی از حوزه این دریا به اروپا. با توجه به این نکته

می توان گفت که اتحادیه اروپا نیز برای رسیدن به هدف خود از راهکاری که انتقال انرژی را آسان کند، یعنی از نظریه تقسیم دریا پشتیبانی می کند؛ راهکاری که با منافع و مواضع ایران ناسازگار است. هر چند دیدگاههایی در مورد انتقال انرژی از راه ایران به اروپا وجود دارد، ولی با توجه به شرایط منطقه و مخالفت آمریکا، اروپا نیز از موضع آذربایجان پشتیبانی می کند. همراهی نسبی کشورهای اروپایی با آمریکا در چارچوب نظریه تقسیم دریا و مهمتر از آن گسترش ناتو به خاور و حضور نیروهای آن در همسایگی ایران، همان خطرهایی را که از سوی ایالات متحده متوجه ایران بود، در پی خواهد داشت.

روشن نبودن رژیم حقوقی دریای مازندران و

پیامدهای امنیتی آن برای ج.ا.ایران

نوع رژیم حقوقی، بر بسیاری دیگر از موضوعات مربوط به این حوزه آبی اثر می گذارد. با مشخص شدن رژیم حقوقی دریا، سهم هر کشور از منابع بستر و زیربستر آن روشن می شود. رژیم حقوقی، افزون بر اهمیت اقتصادی، بر مسائل امنیتی، ارتباطی و... نیز اثر خواهد داشت. موضوع تعیین رژیم حقوقی دریای مازندران، به تعبیری، به معنای تعیین مرز کشورهای کرانه ای است و در تاریخ هر یک از آنها آثار پایدار خواهد داشت.

همه اینها، چگونگی رژیم حقوقی دریای مازندران را به مهمترین عامل درگیری میان کشورهای کرانه ای تبدیل کرده است و شوربختانه با گذشت بیش از یک دهه از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای کرانه ای هنوز به راهکاری که مورد پذیرش همه آنها باشد، نرسیده اند.^{۱۴} تا هنگامی که رژیم حقوقی دریای مازندران روشن نشود و مکانیزم کارآمدی برای بهره داری از آن به دست نیاید، چه بسا درگیرها میان کشورهای کرانه ای و دسته بندیها ادامه یابد. با توجه به اینکه روسیه، آذربایجان و قزاقستان با پیمانهای دوسویه و سه سویه موضعی خلاف مواضع ایران دارند، دور نیست که ترکمنستان نیز زیر فشار روسها، تن به راهکاری

می توان گفت که اتحادیه اروپا نیز برای رسیدن به هدف خود از راهکاری که انتقال انرژی را آسان کند، یعنی از نظریه تقسیم دریا پشتیبانی می کند؛ راهکاری که با منافع و مواضع ایران ناسازگار است. هر چند دیدگاههایی در مورد انتقال انرژی از راه ایران به اروپا وجود دارد، ولی با توجه به شرایط منطقه و مخالفت آمریکا، اروپا نیز از موضع آذربایجان پشتیبانی می کند. همراهی نسبی کشورهای اروپایی با آمریکا در چارچوب نظریه تقسیم دریا و مهمتر از آن گسترش ناتو به خاور و حضور نیروهای آن در همسایگی ایران، همان خطرهایی را که از سوی ایالات متحده متوجه ایران بود، در پی خواهد داشت.

پ: ترکیه

از آنجا که سه کشور کرانه ای دریای مازندران، نزدیکیهایی از نظر زبانی و مذهبی با ترکیه دارند، این کشور می کوشد از این عامل برای گسترش نفوذ خود بهره داری کند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و سربر آوردن جمهوریهایی از خاکستر آن، ترکیه تلاشهای خود را برای پیگیری هدفهای تاریخی خود در منطقه آغاز کرد و برای یافتن نقشی برجسته در منطقه، چندی است استراتژی تازه ای با همکاری و همراهی غرب بویژه آمریکا و اسرائیل در پیش گرفته است؛ هر چند به سبب حضور نیرومند روسیه و حساسیت خاص کشورهای منطقه و ایران در این زمینه، فعالیتهای امنیتی ترکیه در حوزه دریای مازندران (جز در مورد آذربایجان) توفیقی نداشته است. به هر رو نباید فراموش کرد که ترکیه در چارچوب ناتو، حضوری فعال در منطقه دارد.

ترکیه در فضای غبار آلود حوزه دریای مازندران و در سایه نبودن رژیم حقوقی مورد پذیرش همگان، با تحریک آذربایجان و پشتیبانی از آن، میان کشورهای منطقه بویژه ایران و آذربایجان تنش ایجاد کرده است. ترکیه با هدف نفوذ در آذربایجان، از ادعاهای غیرمنطقی آن کشور، از پا گرفتن یک توافق پایدار بر سر رژیم

برخی از کشورهای کرانه‌ای استخراج منابع انرژی را با همکاری قدرتهای بزرگ آغاز کرده‌اند. بدین‌سان نه تنها فرصت بهره‌برداری ایران از منابع کاهش یافته، بلکه امکان گذشتن خطوط انتقال انرژی از خاک ایران نیز کمتر شده است.

امنیت ایران در دریای مازندران در شرایط پیچیده‌ای برقرار می‌شود و عوامل سیاسی-اقتصادی چندی در آن نقش دارند. پاسداری از یکپارچگی سرزمینی و حقوق کشور، هسته اصلی سیاست خارجی ایران برای تأمین امنیت در دریای مازندران است.^{۱۷} چنان‌که گفته شد، تعیین رژیم حقوقی دریای مازندران، در حقیقت به معنای تعیین مرز دریایی هر یک از کشورهای کرانه است؛ موضوعی که با امنیت و آینده ایران بستگی دارد و به سادگی نمی‌توان از آن گذشت. وضع حساس این منطقه و وجود منابع انرژی و نیز حضور قدرتهای بزرگ در حوزه این دریا، می‌تواند زمینه‌ساز خطرهای امنیتی برای کشور ما باشد و از همین‌رو ج.ا.ایران باید رویکرد امنیتی-اقتصادی سنجیده‌ای در زمینه رژیم حقوقی دریای مازندران و مسائل مرتبط با آن داشته باشد.

در واقع وجود منابع انرژی در دریای مازندران، تیغی دو دم برای ایران است، زیرا از یک سو می‌تواند سرچشمه درآمد یا مبنای همکاری با کشورهای همسایه باشد و از سوی دیگر با تعیین نشدن رژیم حقوقی این دریا و حضور قدرتهای بزرگ در منطقه، خطرهای بالقوه برای ایران به بار آورد.^{۱۸} به هر رو، در شرایط کنونی، «نگرانی» مادر منطقه بیشتر از «امید» مان به رسیدن به منافع است.

یادداشتها:

۱. دهقان، فتح‌الله، دریای خزر و امنیت ملی، تهران، بشیر علم و ادب، ۱۳۸۴
۲. خزر و منافع ملی ج.ا.ایران، مرکز تحقیقات و مطالعات دفاعی نداسا، نشر سایه روشن، ۱۳۸۱

دهد که یکسره با حقوق مسلم و حیاتی ایران ناسازگار است.

سر باز زدن چند کشور کرانه‌ای از پذیرش رژیم حقوقی پیشین، برای خود آن کشورها و بویژه برای ایران دردسز آفرین شده است. برخی از کشورهای کرانه‌ای، بویژه آذربایجان، با دادن پایگاه نظامی به کشورهای باختری در این حوزه، مایه خطر برای خود و همسایگان، بویژه ایران شده‌اند. کشورهای غربی نیز به بهانه‌های اقتصادی، در پی دستیابی به هدفهای گوناگونند و با پشتیبانی از یک کشور، زمینه افزایش تنش میان پنج کشور کرانه‌ای را فراهم می‌کنند. کشورهای باختری بویژه آمریکا با به راه انداختن تبلیغات گسترده در سطح منطقه بر ضد ایران، از هر گونه همکاری دوسویه میان این کشور و همسایگانش جلوگیری و نیروهای خود را پشت مرزهای ایران پیاده کرده‌اند. بدین‌سان، چنددستگی کشورهای کرانه‌ای و اختلاف آنها بر سر رژیم حقوقی دریای مازندران می‌تواند تعیین کننده عوامل دیگر باشد.

از دیگر پیامدهای روشن نبودن رژیم حقوقی این دریا، پیدایش حس بی‌اعتمادی میان کشورهای کرانه‌ای است که بویژه در روابط ایران با کشورهایی که موضعی متفاوت با موضع آن دارند، بیشتر نمود می‌یابد. این عامل نه تنها می‌تواند همکاری ایران در زمینه‌های بازرگانی، اقتصادی و حتا فرهنگی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را کاهش دهد، بلکه در سایه کاهش همکاریها، اهمیت ژئوپلیتیکی ایران را از چشم کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای کرانه‌ای دریای مازندران دور دارد.

برای جلوگیری از این روند، ایران باید هر چه زودتر و با کمک دیگر کشورها به روشن کردن وضع حقوقی این دریا پردازد و با ارائه الگوهای مناسب همکاری از پیدایش یا تداوم تنش در منطقه جلوگیری کند.^{۱۶} شوربختانه به علت روشن نبودن رژیم حقوقی دریای مازندران، جمهوری اسلامی ایران تاکنون چنان‌که باید از منابع این دریا بهره‌برداری نکرده است، در حالی که

مآخذ:

- کتابها:**
- دهقان، فتح‌الله، بررسی نفت و گاز دریای خزر و تأثیر آن بر امنیت ج ۱۰. ایران، انتشارات همه، ۱۳۸۲
 -، دریای خزر و امنیت ملی، بشیر علم و ادب، ۱۳۸۴
 - جاسبی، عبدالله، نگاه تحلیلی بر موانع ترسیم رژیم حقوقی دریای خزر، دفتر فرهنگ مقاومت، ۱۳۸۱
 - امیدوارنیا، محمد جواد، نقش قدرتهای خارجی در دریای خزر
 - «خزر و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، مرکز مطالعات و تحقیقات نداسا، نشریه سایه روشن، ۱۳۸۱
 - قبادزاده، ناصر، رژیم حقوقی مواضع کشورهای ساحلی و حضور آمریکا، مجموعه مقالات، مرکز بررسیهای استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۸۳
- مقالات:**
- باوند هر میداس، «رژیم حقوقی دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. ش؟
 - بیژنی، مهدی، «تأثیر منافع نفت و گاز در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر»، بندر و دریا، ش ۱۱۳
 - «ترکیه باید از تیره ساختن فضای اطراف دریای خزر پرهیز کند»، جام هفته، ش ۱۴۳، شهریور ۱۳۸۰
 - «حضور نیروهای بیگانه در خزر به نفع کشورهای ساحلی نیست»، کیهان هوایی، ج ۵۲، ش ۱۴۷۷
 - راداندیش، پروین، «میعادگاه بزرگان»، همشهری دیپلماتیک، ش ۱۴۳، شهریور ۱۳۸۰
 - «دشواریها و چشم اندازهای رژیم حقوقی دریای خزر»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۳ و ۴ و ۹
 - دونا، یووا، «بررسی موضع ایران در قابل نظام حقوقی دریای خزر»، آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۲۳۰، پاییز ۱۳۷۷
 - رادمهر، ایرج، «سیاست آمریکا در حوزه خزر»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ج ۳، ش ۱۰، پاییز ۱۳۸۰ ص ۱۷

- سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بهمن ۱۳۸۶
 - بیژنی، مهدی، «منابع انرژی و تأثیر آن بر رژیم حقوقی دریای خزر»، بندر و دریا، ش ۱۱۳
 - فراس، فردریک استار، «شکست قدرت، سیاست آمریکا در دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۶، دوره ۳، ش ۱۸
 - دهقان، فتح‌الله، بررسی نفت و گاز دریای خزر و تأثیر آن بر امنیت ج ۱۰. ایران، تهران، انتشارات همه، ۱۳۸۲
 - کاظم پور، اردبیلی، «حقوق خزر و توسعه منابع انرژی»، همایش آسیای مرکزی و قفقاز (اردیبهشت ۱۳۷۷)
 - خزر و منافع ملی جمهوری...، همان، ص ۱۵۷
 - علیزاده، علی، «نگاه امنیتی به مباحث دریای خزر»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۵ (پاییز ۱۳۸۰)
 - داد اندیش، پروین، «میعادگاه بزرگان»، همشهری دیپلماتیک، ش ۲۲ (بهمن ۱۳۸۶)
 - نقیب‌زاده، احمد، «نقش قدرتهای منطقه‌ای و برون منطقه‌ای در حوزه خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۷ (بهار ۱۳۸۱)
 - «ترکیه باید از تیره ساختن فضای اطراف خزر پرهیز کند»، نشریه جام هفته، شماره ۱۴۳ (شهریور ۱۳۸۰)
 - سجادپور، محمد کاظم، روزنامه اطلاعات (۱۳۷۳/۱۱/۱۲)، ص ۱۲
 - قبادزاده، ناصر، دریای خزر رژیم حقوقی، مواضع کشورهای ساحلی حضور آمریکا، نشر فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۳
 - علیزاده، علی، «نگاه امنیتی به مباحث حوزه دریای خزر»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۵ (۱۳۸۵)
 - رادمهر، ایرج، «سیاست آمریکا در حوزه خزر»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ج ۳، ش ۱۰، پاییز ۱۳۸۰ ص ۱۷
 - دهقان، فتح‌الله، بررسی نفت و گاز...، ص ۱۸
18. Afrasiabi, Kaveh, Irans foriegn policy afer 11 september, at www. googel. com. 2003 spring

- اردیبهشت ۱۳۷۷
۱۶. ملکوتیان، مصطفی، «حوزه خزر و امنیت ملی ج.ا.ایران»، نشریه علوم سیاسی، س ۳، ش ۹، تابستان ۱۳۷۹
۱۷. مولایی، یوسف، «حاکمیت ملی و رژیم حقوقی دریای خزر»، چشم انداز ایران. ش؟
۱۸. میرفخرایی، حسن، «رژیم حقوقی دریای خزر از واگرایی تا همگرایی»، پژوهش و سیاست، ج ۶، ش ۱۰، ۱۳۸۳
۱۹. قربان، نرسی، «منابع نفتی دریای خزر و امنیت اقتصادی ج.ا.ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۹
۲۰. نقیبزاده، احمد، «نقش قدرتهای منطقه‌ای و برون منطقه‌ای در حوزه خزر»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۷، بهار ۱۳۸۱
۲۱. Berti, Benedatta, "Iran Strengthens its Role in the Caspian sea and Central Asian Regions", at www. PINR com. 19 October. 2008
۲۲. Afrasiabi, Kaveh. "Irans forieg policy after 11 September", at www. googel. com, 2003 spring
۹. سجادیپور، محمد کاظم، «رفتار سیاسی آمریکا نسبت به روابط ایران با کشورهای حوزه خزر»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، س ۶، ش ۲۱۰ (بهار ۱۳۷۷)
۱۰. روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۷/۱۱/۱۲، ص ۱۲
۱۱. صدقی، ابوالفضل، «سیاست خارجی آمریکا در حوزه خزر و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران»، مجله سیاست دفاعی، ج ۱۰ و ۱۱، ش ۴۰ و ۴۱، ۱۳۸۱
۱۲. علیزاده، علی، «نگاه امنیتی به مباحث حوزه دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۵، پاییز ۱۳۸۰
۱۳. فراس، فردریک استار، «شکست قدرت، سیاست آمریکا در دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، ش ۱۸
۱۴. فرسمین، جاس، «حوزه خزر و قدرتهای بزرگ و جدید»، ترجمه مهدی زاده، نشریه نگاه، ش ۱۴
۱۵. کاظم پور، اردبیلی، «رژیم حقوقی خزر و توسعه منابع و خطوط انرژی»، سخنرانی در همایش آسیای مرکزی و قفقاز،